



بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان - 11 / آبان / 1396

در آستانه‌ی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

اولاً خیلی خوش آمدید جوانان عزیز، فرزندان عزیز، برادران و خواهران عزیز؛ با روحیه‌ی خودتان یاد حوادث مهمّ سیزدهم آبان را که در تاریخ ما حوادث تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای است زنده کردید. از دیدار شما جوانان عزیز خیلی خرسند و خوشحالیم.

ثانیاً یک نکته‌ای در کشور ما وجود دارد که قابل توجه است. آن نکته این است که جوانها در همه‌ی کشورها، در همه‌ی ملتها، یک نیروی پیشران محسوب میشوند؛ مثل موتور یک خودرو، پیشران حرکت عظیم جامعه‌ی خودشان. در همه‌ی کشورها این جور است؛ البته اگر جوانها خراب نشده باشند، فاسد نشده باشند، گرفتار نشده باشند، معتاد نشده باشند. طبیعت جوان تحرک و پیشرانی و پیشروی است، لکن در کشور ما این روحیه در سطح جوان - با اصطلاح متعارف و معمولی - محدود مانده است. جوان مثلاً یعنی یک پسر یا دختر هجده‌ساله، بیست‌ساله؛ این جوان است. در کشور ما سنین تحرک و شور جوانی پایین آمده است؛ یعنی نوجوان سیزده‌ساله، چهارده‌ساله، پانزده‌ساله، همان کاری را میکند، همان چیزی را میبیند، همان هدفی را دنبال میکند، همان روحیه و نیرویی را خرج میکند که در جاهای دیگر از یک جوان ۲۰ ساله، ۲۲ ساله، ۲۵ ساله توقع میرفت. در کشور ما سطح حرکت، سطح شورآفرینی، سطح پیشرانی به نوجوانان رسیده است. این خصوصیت کشور ما است.

از کجا این حرف را میزنیم؟ هم قبل از انقلاب، هم در حین حوادث مهمّ انقلاب، هم در دوران دفاع مقدّس و هم در دوران کنونی، اینها چیزهایی است که داریم مشاهده میکنیم. قبل از انقلاب بنده در مشهد بودم، مشهد را میدیدم و گاهی که تهران می‌آمدیم، تهران را میدیدم؛ در خیلی از جاها مراجعه‌ی جوانانه برای دریافت مفاهیم اساسی انقلاب مخصوص جوان دانشجو و سنین جوانی به آن معنا نبود. خود من در همین تهران جلسه داشتم برای یک تعداد محدودی از بچه‌های دبیرستانی - یعنی شانزده‌ساله، هفده‌ساله، هجده‌ساله - در آن دوران سخت اختناق؛ بعد هم همه‌ی آنها یا اغلب آنها وارد میدانهای مبارزه شدند؛ بعضی‌شان امروز جزو شهدای نامدار ما هستند - همان افراد، همان بچه‌ها - بعضی هم در دوران فعالیت مبارزاتی، داستانهای مهم و حسّاسی را از سر گذراندند. در مشهد هم همین جور بود؛ نوجوان‌های دبیرستانی و کسانی که هنوز دوران جوانی را تجربه نکرده بودند و وارد دوران جوانی به آن معنا نشده بودند، داخل میدان مبارزه بودند؛ این مال قبل از انقلاب.

در دوران شروع حوادث عمومی انقلاب، خب جوانان دانش‌آموز ما کاری کردند که سیزدهم آبان به نام آنها است؛ روز دانش‌آموز است، روز مجاهدت و [روز] کشتار دانش‌آموزان است. در سیزدهم آبان سه واقعه‌ی مهم اتفاق افتاده؛ یکی مربوط به کشتار دانش‌آموزان است. خب اگر داخل میدان نبودند، اگر مبارزه نمی‌کردند، اگر وجودشان تأثیر نداشت، با آن سبّیت (۱) و خباثت مأمورین رژیم طاغوت مواجه نمیشدند و به شهادت نمیرسیدند. در دوران جنگ تحمیلی که غوغا است! نوجوان‌های چهارده‌ساله، پانزده‌ساله رفتند داخل میدان جنگ و مثل مردان جوان کارآمد



رشید جنگیدند؛ بعضی به شهادت رسیدند، مثل حسین فهمیده؛ بعضی به اسارت افتادند، مثل همین چند نوجوان اسیری که داستانهایشان و کتابهایشان چاپ شده، خاطراتشان چاپ شده، که انسان وقتی میخواند احساس این نوجوانها را، احساس میکند که در یک عالمی فراتر از این عالم مادی دارد حرکت میکند. یک پسر بچه‌ی شانزده ساله، پانزده ساله، هفده ساله، مثل کوه در دوران اسارت در مقابل آن مأمور بعثی خبیث و سخت گیر می ایستد؛ کجای دنیا این چیزها هست؟ کدام نسل جوانی در دنیا شامل یک چنین افرادی میشوند؟

بعد از جنگ تا امروز هم همین جور است. من به شما عرض میکنم اطلاعات بنده از مسائل گوناگون کشور، اطلاعات وسیعی است و از خیلی جاها خبر دارم؛ میدانم که جوانهای دانش آموز، نوجوانهای ما در بخشهای مختلف، هم خوب عمل میکنند، هم خوب میفهمند؛ مسائل ریز و دقیق را میفهمند. نوجوان امروزی که در سن شانزده هفده سالگی است و دبیرستان میرود، در موارد بسیاری، از آن زمان دوران جوانی امثال این حقیر تا ۲۵ سالگی و ۲۶ سالگی و شاید بعد از آن، امروز مسائل را بهتر میفهمد، بهتر تحلیل میکند؛ این خصوصیت کشور ما است.

عزیزان من، جوانهای عزیز، نوجوانهای عزیز، بچه‌های عزیز من! قدر این موقعیت و این امکان را بدانید. شماها و نسل شما همان نسلی هستید که این کشور را ان شاء الله به اوج خواهید رساند. آرزوهای زیادی داریم، آرمانهای بزرگی داریم. دشمنی‌های دشمنان هم تا الان هیچ تأثیری نگذاشته، هیچ غلطی نتوانسته‌اند بکنند. نه اینکه دشمنی نکردند، نه اینکه فعالیت نکردند؛ چرا، هرچه دلت بخواهد دشمنی کردند، فعالیت کردند. همان کارهایی که برای انحراف نسلهای جوان در کشورهای مختلف کرده‌اند، در کشور ما هم کرده‌اند؛ از ترویج مواد مخدر بگیر تا ترویج فحشا، تا بازی‌های گمراه کننده‌ی رایانه‌ای و امثال اینها؛ همه‌ی کارها را کرده‌اند. در یک بخشهایی هم موفق شدند، در یک جاهایی هم یک عده‌ای را ممکن است توانسته باشند از راه منحرف کنند، اما نسل جوان، نسل نوجوان با همان روشن بینی که در اوّل انقلاب وجود داشت و از او توقع میرود، امروز هم وجود دارد. دلیلش هم همین است که شما مشاهده میکنید؛ جوان دهه‌ی هشتادی که نه جنگ را، نه امام را، نه انقلاب را دیده اما همان مفاهیم را با همان روشن بینی، با همان اقتدار که آن روز یک جوان فهمیده‌ای دنبال میکرد، امروز این نوجوان ما دارد دنبال میکند. شما میتوانید؛ شماها میتوانید بر ترفند دشمن فائق بیایید؛ میتوانید از سختی‌ها و موانع عبور کنید و این کشور را برسانید به آن نقطه‌ای که مطلوب آرمانهای اسلامی و انقلاب اسلامی است؛ میتوانید. و این ان شاء الله اتفاق خواهد افتاد، این خواهد شد، به کوری چشم دشمن.

این البته شرطهایی دارد؛ یکی از شرطهایش این است که دشمن را بشناسید؛ فریب نخورید. البته ملت ما دشمنانی دارد، کوچک و بزرگ، [اما] آن که من رویش تکیه میکنم که به معنای واقعی کلمه دشمن است و دشمنی میکند و خبثت میکند، آمریکا است. این از روی تعصب نیست، این از روی یک نگاه بدبینانه نیست؛ این ناشی از یک تجربه است، یک فهم درست واقعی است، دیدن میدان است؛ داریم می بینیم میدان را. این جور نیست که فقط با این حقیر دشمن باشند یا با دولت جمهوری اسلامی؛ نه، با اصل این ملتی که ایستاده است، این ملتی که از مواجهه‌ی با دشمن خسته نمیشود مخالفند، با این بدند، با این دشمنند. دیدید؛ همین اواخر رئیس دولت آمریکا گفت، ملت ایران، ملت تروریست است. (۲) شما ببینید چقدر این نگاه، نگاه ابلهانه‌ای است! یک ملت را میگویند تروریست؟ نمیگوید رهبر تروریست است، نمیگوید دولت تروریست است؛ میگوید ملت ایران تروریستند! این دشمنی نیست؟ چند سال قبل از این هم یک دولتمرد دیگر آمریکایی گفت ما باید ریشه‌ی ملت ایران را از بین ببریم و بکنیم. احمق! (۳) ریشه‌ی یک ملتی را، آن هم یک چنین ملتی با این سابقه‌ی تاریخی، با این درخت تناور



فرهنگی، میشود کند؟ ببینید! [این] دشمنی است؛ وقتی دشمن است، چشمش بسته است؛ مثل آدمی که نمیبیند، نمیتواند درست محاسبه کند، نمیتواند درست ارزیابی کند؛ که همین عدم توانایی محاسبه‌ی او موجب میشود که شکست بخورد. چون درست نمیتواند محاسبه کند، چون صحنه را درست نمی‌شناسد، شکست هم میخورد، که شکست هم خورده‌اند! الان قریب چهل سال از پیروزی انقلاب میگذرد؛ از روز اول که این انقلاب یک نهال باریکی بود، با آن جنگیدند و حمله کردند؛ امروز به کوری چشم اینها [انقلاب] یک درخت تناور پُربُرج و باری شده. پس این نشان‌دهنده‌ی این است که نمیتوانند و نتوانستند؛ اما دشمنی میکنند؛ مال امروز هم نیست.

ببینید؛ بعضی‌ها هستند که میگویند حالا یک جوری، مثلاً یک ذره، با آمریکا کنار بیاییم، شاید دشمنی‌شان کم بشود؛ نه، حتی به آنهایی هم که به آمریکا اعتماد کردند، به آمریکا امید بستند، به سراغ آمریکا رفتند برای کمک گرفتن، رحم نکردند؛ [مثل] چه کسی؟ دکتر مصدق. (۴) دکتر مصدق برای اینکه بتواند با انگلیسی‌ها مبارزه کند و در مقابل انگلیس‌ها بایستد به خیال خودش، رفت سراغ آمریکایی‌ها؛ با آنها ملاقات کرد، مذاکره کرد و درخواست کرد؛ [به آنها] اعتماد کرد. کودتای بیست و هشتم مرداد نه به وسیله‌ی انگلیس [بلکه] به وسیله‌ی آمریکا در ایران انجام گرفت، علیه مصدق. یعنی حتی به امثال مصدق هم اینها راضی نیستند؛ اینها نوکر می‌خواهند، سرسپرده می‌خواهند، توسری خور می‌خواهند؛ مثل چه کسی؟ مثل محمدرضای پهلوی؛ این جور آدمی می‌خواهند؛ که بر این کشور پُر نعمت پُربُرجت ثروتمند حسّاسی که از لحاظ موقعیت جغرافیایی حسّاس است، از لحاظ توانایی‌های گوناگون حسّاس است، حکومت کند؛ یک نفری باشد دست بسته و تسلیم آنها؛ آمریکایی‌ها این را می‌خواهند؛ اگر نشد، میشوند دشمن. در قضیه‌ی طبس دشمنی کردند و توسری خوردند؛ در زمینه‌ی ساقط کردن هواپیمای مسافربری ما، دشمنی کردند؛ در زمینه‌ی تحریمها از روز اول دشمنی کردند؛ امروز هم دارند دشمنی میکنند. در زمینه‌ی خراب کردن مذاکرات هسته‌ای و نتیجه‌ی مذاکرات هسته‌ای - به اصطلاح برجام - نهایت خبثت را دارند عمل میکنند؛ دشمنند.

بچه‌های عزیز، جوانهای عزیز! یادتان نرود که در این راه بسیار مهم و خوش‌عاقبتی که شما دارید حرکت میکنید به سمت آرمانها - و میتوانید و قدرت [آن را] دارید - دشمن اصلی شما آمریکا است؛ این را فراموش نکنید. (۵) خب، پس بنابراین یادتان نمی‌رود این چیزی را که عرض کردیم. بعضی تصور میکنند که [باید] کوتاه بیاییم در مقابل آمریکا؛ [در حالی که] هرچه کوتاه بیاییم، آنها جری‌تر میشوند. راهش مقابله است، راهش مواجهه است، راهش ایستادگی است؛ راهش این است که این حرکتی که انقلاب شروع کرده است، باید ادامه پیدا بکند. پس بنابراین شرط اساسی، این است.

و یکی از شرایط دیگر را هم به شما جوانها عرض میکنم؛ خوب درس بخوانید، خوب کار بکنید. علم و علم‌آموزی یکی از اساسی‌ترین ابزارها و وسیله‌ها است، برای [کسب] قدرت مواجهه‌ی با دشمنی‌ها و با طوفانها و با امواج سخت و مانند اینها. جوانهای خوب ما درس بخوانند، علم‌آموزی کنند. آنهایی که نخبه هستند، برای کشورشان کار کنند، در خدمت دشمن قرار نگیرند؛ درس خواندن بشود یک ارزش والا. استعداد جوانهای ما بحمدالله استعداد خوبی است و اگر چنانچه خوب درس بخوانند و کار بکنند، بلاشک سطح علم در کشور بالا خواهد آمد. خود اینکه سطح علم در کشور بالا بیاید، استحکام میبخشد به بنیه‌ی داخلی ملت ایران؛ مستحکم میشود. به برکت علم، انسان میتواند به آرزوهای بزرگ دست پیدا کند. ان شاءالله این را هم توجّه داشته باشید.

و عزیزان من! رابطه‌تان با خدای متعال را هم تقویت کنید. دلهای شما پاک است، روحهای شما بی‌آلایش است،



ناآلوده است. جلب لطف الهی و فضل الهی و نورانیت الهی برای شماها خیلی آسان‌تر از امثال بنده است، براحتی می‌توانید. با توسل، با دعا، با نماز خوب، با توجه، با قرآن خواندن، با کمک به بندگان خدا - که یکی از کارهای مهم و عبادت‌های مهم، کمک به بندگان خدا است - با اجتناب از گناه، می‌توانید این را برای خودتان تأمین کنید. بنده مطمئنم و تردیدی ندارم که ان‌شاءالله این نسل کنونی شما جوانان عزیز خواهید توانست همه‌ی آرزوهایی را که در انقلاب وجود داشت، تحقق ببخشید.

امیدواریم که خدای متعال جاده را در مقابل شما، جاده‌ی همواری بکند، راهتان راه آسانی باشد و توفیقاتتان روزبه‌روز افزایش پیدا کند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

(۱) درنده‌خویی، ددمنشی

(۲) اشاره به سخنان دونالد ترامپ در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۱

(۳) خنده‌ی حضار

(۴) محمد مصدق (نخست‌وزیر ایران در زمان محمدرضا پهلوی)

(۵) شعار حضار علیه آمریکا